بازداشت شکارچی کارکنان دولت

مردی که با شناسایی کارکنان دولت، به بهانه‌های پرداخت اشتباهی پول یا پرداخت معوقه، موجودی حساب آنها را خالی می‌کرد، بازداشت شد.

به گزارش جام جم، سرهنگ تورج کاظمی، رئیس پلیس فتای پایتخت گفت: ۲۸ خرداد امسال مرد ۵۰ ساله تهرانی که کارمند اداره دولتی بود، با حضور در پلیس فتا شکایت کرد که فردی با معرفی خودش به عنوان معاون مالی شرکت بیمه، اعلام کرده که معوقه سالانه‌اش آماده واریز است. بعد وی را به مقابل دستگاه خودپرداز کشانده تا رمز دوم خود را به وی بگوید تا پول واریز شود، اما بعد از اعلام رمز ۲۲ میلیون از حسابش برداشت شده بود. سرانجام رد متهم ۲۶ ساله در حوالی میدان کاج به دست آمد و او بازداشت شد. متهم با شناسایی مدیران بیمارستان‌ها و مدیران مالی ادارات دولتی، پرسنل شاغل و کارکنان اداره‌های دولتی را شناسایی و پس از تماس تلفنی با آنها به بهانه واریز اشتباهی پول یا پرداخت معوقه، شماره حساب و رمزهای دوم را با ترفندهای مختلفی از آنها گرفته و موجودی آنها را برداشت کرده است.

پشت صحنه یک ماجرا

گفت‌وگو با طلبکاری که بعد از قتل مرد بدهکار جسدش را دفن کرد

قتل با چکش

معصومه ملکی

حوادث

همه چیز در یک لحظه اتفاق افتاد، فحاشی، برداشتن چکش و ضربه‌های مرگبار. جنایتی تلخ که راز آن بعد از شش ماه فاش شد و با اعتراف قاتل، ماموران جسد مقتول را از باغچه خانه عامل جنایت پیدا کردند. این هفته در پشت صحنه یک جنایت سراغ مرد جوانی رفتیم که در این پرونده به خاطر طلب سه میلیونی و یک لحظه عصبانیت مرتکب قتل دوستش شد.

در این پرونده، ایرج ۴۵ ساله متهم است دوستش به نام شهاب را به خاطر طلب سه میلیونی به قتل رسانده است. این پرونده سوم خرداد امسال وقتی روبه‌روی بازپرس شعبه ششم دادسرای جنایی تهران گشوده شده که مردی موضوع گمشدن برادر ۶۵ سال‌هاش را اطلاع داد. تحقیق از وی نشان می‌داد که برادر معتادش مدتی است خانه‌اش را ترک کرده و شب‌ها در خودروی پژو ۲۰۶ خود می‌خوابد و سه ماه است که ناپدید شده است.

پلیس به جست‌وجوی مرد گمشده پرداخت و دستور توقیف خودرویش هم صادر شد تا این‌که بیست و هفتم شهریور امسال خودرو در جاده کاشان از سوی پلیس راه متوقف شد. راننده مدعی بود که خودرو را خریده و چون مالك از فروش منصرف شده شکایت کرده تا خودرو را پس بگیرد. او با این ترفند از دست پلیس فرار کرد، اما فرار او چند ماه بیشتر طول نکشید تا این‌که ماموران متوجه شدند این مرد همان فردی است که مرد گمشده آخرین بار به دیدن او در خانه روستایی‌اش در شهر زنجان رفته است. ماموران برای دستگیری ایرج به خانه‌اش رفتند که معلوم شد او خانواده‌اش را به یکی از شهرهای جنوبی برده که بعد از بازگشت بازداشت شد.

متهم در همان تحقیقات اولیه به قتل اعتراف کرد و گفت: مقتول سه میلیون تومان به من بدهکار بود. وقتی طلبم را خواستم، به پدرم فحاشی کرد که عصبانی شدم و او را کشتم و در باغچه خانه‌ام در روستایی در زنجان دفنش کردم.

بعد از این اعتراف، جسد از باغچه خانه قاتل کشف و به پزشکی قانونی منتقل شد.

مقتول به پدرم فحش داد، او را کشتم

ایرج ۴۵ ساله، متاهل است و سه فرزند دارد. مدام با دستبندی که دستانش را به هم گره زده بازی می‌کند. رنگ به رخسار ندارد و مدام زیر لب می‌گوید ای کاش خشم خود را کنترل می‌کردم و آن مرد معتاد را نمی‌کشتم. حالا شده‌ام قاتل و معلوم نیست چه سرنوشتی در انتظار همسر و سه فرزندم است.

از آشنایی با مقتول بگو.

سال گذشته مدتی در شهر قزوین مشغول به کارهای ساختمانی بودم که در آنجا از طریق یکی از دوستانم با شهاب آشنا شدم و بعد از مدتی رفیق صمیمی شدیم. او حتی یک بار ده روز مهمان خانه‌ام بود.

از اعتیاد مقتول خبر داشتی؟

این اواخر متوجه شدم و گاهی که در نبود خانواده‌ام به خانه‌مان در یکی از روستاهای شهر زنجان می‌آمد، با او حرف می‌زدم و دعوا می‌کردم که اعتیادش را ترک کند و شیشه را کنار بگذارد که بی‌توجه بود. از حرف‌هایش متوجه شدم همین اعتیادش به شیشه، باعث شده که خانواده‌اش او را طرد کنند و زیاد با او در ارتباط نباشند. او جا و مکان درستی نداشت.

با مقتول اختلاف داشتی؟

اختلافمان برسر سه میلیون تومان پول بود. او این پول را از من قرض گرفته و قرار بود چند هفته‌ای پس دهد، اما به قولش عمل نکرد و پول را به من پس نداد.

به خاطر همین او را کشتی؟

آخرین روزهای بهار امسال بود که اعضای خانواده‌ام را نزد خانواده همسرم در یکی از شهرهای جنوبی کشور بردم تا مدتی در آنجا بمانند و بعد از پایان کارم سراغشان بروم و آنها را به خانه روستایی‌مان در زنجان منتقل کنم. مقتول با من تلفنی حرف زد و گفت، می‌خواهد برای دیدن من بیاید. گمان کردم، این بار که به خانه‌ام می‌آید سه میلیون تومان طلبم را نیز با خودش می‌آورد. اما وقتی آمد هیچ حرفی از بدهی‌اش نزد. صبح روز جنایت از او خواستم طلبم را بدهد که شروع به فحاشی کرد. پدرم تازه فوت شده بود و دوستم به او فحاشی کرد. دیگر کنترلم را از دست دادم. چکشی از روی زمین برداشتم و سه ضربه به سرش زدم که باعث مرگ وی شد.

با جسد چه کردی؟

نایلون پلاستیکی روی سر او گذاشتم تا لکه‌های خون روی فرش را کثیف نکند. می‌ترسیدم جسد را همان روز از خانه بیرون ببرم. صبر کردم هوا تاریک شد. هر چه آثار لکه‌های خون در خانه بود را شستم. ناگهان به این فکر افتادم، جسد او را دفن کنم تا ردی از آن برجای نماند. در باغچه گودالی یک متری حفر کردم و جسد را در آنجا دفن کردم.

با گوشی و خودروی مقتول چه کردی؟

روز بعد و پیش از بازگشت اعضای خانواده‌ام از شهرستان، گوشی تلفن همراه مقتول را شکستم و از بین بردم و در بیابان روستا انداختم تا ردی از او نماند. مانده بودم با خودروی پژو ۲۰۶ او چه کنم. قطعه زمین موروثی داشتم که آن را فروخته و برخی از بدهی‌هایم را با آن داده بودم، اما همسرم و بچه‌ها از موضوع خبر نداشتند. زمانی که آنها از سفر به خانه‌مان در روستا بازگشتند و خودروی پژو ۲۰۶ را دیدند، درباره آن پرس‌وجو کردند. وانمود کردم که آن زمین را فروخته‌ام و با پول آن این خودرو را خریدم که حرف‌هایم را باور کردند.

اگر زمان به عقب بازگردد؟

آن روز مرد معتاد را به خانه‌ام راه نمی‌دادم، دعوایمان نمی‌شد و عصبانی نمی‌شدم، او زنده می‌ماند و من قاتل نمی‌شدم.

دلت برای چه کسی تنگ شده؟

برای همسر و سه فرزندم.

حرف آخر؟

خیلی پشیمانم و اگر خشم خود را کنترل می‌کردم الان قاتل نمی‌شدم.

کنترل خشم را جدی بگیرید

احسان زمانی

بازپرس دادسرای جنایی تهران

در اکثر پرونده‌های جنایی شاهد آن هستیم که وقتی فردی از خانواده فاصله می‌گیرد، به اعتیاد و بی‌اخلاقی گرایش پیدا می‌کند و باعث می‌شود زندگی‌اش به سمت و سویی برود که دچار مشکلاتی برای خود و دیگران شود و حتی رفتارهای پرخطر از وی سر بزند. در این پرونده هم مقتول به خاطر اعتیادش طرد شده بود. او به جای این‌که اعتیادش را ترک کرده و به سمت زندگی سالم گرایش پیدا کند و نزد خانواده‌اش بازگردد، به مصرف شیشه ادامه می‌دهد.

او جا و مکان درستی نداشته و بیشتر وقت‌ها را در خودرویش به سر می‌برده و می‌خوابیده است. بعد از آن‌که با عامل جنایت دوست می‌شود، زمان‌های زیادی را سعی می‌کرد به خانه او برود تا سرپناهی داشته باشد که در همین حین پولی از وی طلب می‌کند و دیگر نمی‌توانسته آن را بازگرداند. در ادامه همین موضوع باعث درگیری و نهایت قتل می‌شود.

از سوی دیگر متهم نیز فردی بوده که نتوانسته خشم خود را کنترل کند و به خاطر همین ناتوانی مرتکب جنایتی آنی شده است. او از کار خود اظهار پشیمانی می‌کند و مدت‌هاست افسوس آن را می‌خورد. افرادی که در کنترل خشم خود ناتوان هستند باید مهارت لازم را فراگیرند تا بر اثر خشم، مرتکب جنایتی تلخ و ناخواسته نشوند.

قتل برادر اوتیسمی به شیوه یک فیلم خارجی

متهم در حال بازسازی صحنه قتل

دانشجوی ۲۱ ساله که طاقت آزار و اذیت‌های برادر هشت ساله اوتیسمی‌اش را در خانه‌شان نداشت او را خفه کرد و بعد از جنایت تسلیم پلیس شد.

به گزارش خبرنگار جنایی جام جم، ساعت ۲۰ و ۲۰ دقیقه سه‌شنبه ۲۶ آذر امسال بازپرس ساسان غلامی، کشیك قتل دادسرای جنایی تهران از طریق ماموران کلانتری حکیمیه از مرگ مشکوك پسر هشت ساله مبتلا به اوتیسم باخبر شد. او همراه تیمی از ماموران اداره دهم پلیس آگاهی در خانه‌ای در شرق تهران حاضر شدند. بازپرس جنایی به تحقیق از مادر کودك پرداخت که او مدعی شد پسرش خوراکی می‌خورده که در گلویش افتاده و فوت شده، اما پدر کودك مدعی بود که با مادر خانواده برای دریافت دارو نزد پزشك پسر اوتیسمی‌شان رفته‌اند و بعد از بازگشت متوجه مرگ او و نبود پسر ۲۱ ساله‌شان شده‌اند. این در حالی بود که شیارهای روی گردن کودك، مرگ او را بر اثر خفگی قوت بخشید و قتل وی قوت گرفت. پلیس در جست‌وجوی پسر ۲۱ ساله فراری بود تا این‌که وی ساعت ۲ و ۴۵ دقیقه بامداد چهارشنبه به کیوسك کلانتری سنایی در نزدیکی پارك ساعی رفت و تسلیم شد. او که دانشجوی رشته مهندسی نرم‌افزار است دیروز در شعبه سوم بازپرسی دادسرای جنایی تهران به قتل برادرش اعتراف کرد و گفت: برادرم را دوست داشتم، اما او را کشتم تا خودش و خانواده‌ام به خاطر بیماری اوتیسم او عذاب و درد نکشند. برادرم شب و روزش معلوم نبود و خانواده‌مان و خودش بابت بیماری او عذاب می‌کشیدند.

وی افزود: آن شب یکدفعه تصمیم به قتل گرفتم، چون تحمل نداشتم برادر و خانواده‌ام بابت بیماری او عذاب بکشند. در نوجوانی یك فیلم خارجی درباره زندگی مردی دیدم که کیسه مخصوصی را روی سرش انداخت و خودکشی کرد. بنابراین سه نایلون تهیه کرده و براساس آن فیلم آن را روی سر برادرم کشیدیم. او تقلا می‌زد و حتی زخم‌هایی روی گردنش افتاد تا از دستم خلاص شود که نشد و بعد او را خفه کردم. مدتی در خیابان پرسه زدم و بعد تصمیم به تسلیم شدن گرفتم. من از شش ماه پیش داروهای اعصاب مصرف می‌کردم، حال و روزم خوب نبود و نزد روانپزشك می‌رفتم. متهم در بازداشت به سر می‌برد و قرار شد برای بررسی سلامت روانی و تست اعتیاد و الکل به پزشکی قانونی معرفی شود.

محاکمه سارقان سریالی خودپردازهای پایتخت و کرج

دزدان سریالی دستگاه‌های خودپرداز تهران و کرج در دادگاه کیفری یك استان تهران محاکمه شدند. متهمان علاوه بر سرقت خودپرداز، از فروشگاه‌ها هم سرقت کرده بودند.

به گزارش خبرنگار جام جم، رسیدگی به پرونده سرقت‌های سریالی خودپرداز تهران و کرج از اواخر سال ۹۵ با گزارش سرقت یك دستگاه خودپرداز در شهرك سپاه فردی در دستور کار پلیس قرار گرفت.

همزمان با گزارش سرقت‌های مشابه دیگر، ماموران پلیس با بررسی دوربین‌های مداربسته، چهره تعدادی از دزدان را به دست آوردند. این در حالی بود که همزمان شکایاتی از سوی صاحبان برخی فروشگاه‌های شهر تهران یا کرج به دست پلیس می‌رسید که بررسی دوربین‌های مدار بسته فروشگاه‌ها نیز حکایت از آن داشت که این سرقت‌ها هم توسط اعضای باند سرقت سریالی خودپردازها انجام می‌شود.

به این ترتیب با توجه به سابقه‌دار بودن اکثر اعضای باند، تعدادی از آنها شناسایی و دستگیر شدند.

متهمان پس از دستگیری به سرقت ۱۶ دستگاه خودپرداز و ۳۷ فقره سرقت مسلحانه در شب از فروشگاه‌ها و همچنین سرقت ۲۵ خودروی لوکس اعتراف کردند.

پرونده با بیش از صد شاکی به دادگاه کیفری یك استان تهران ارجاع شد و روز گذشته با حضور متهمان و شاکیان پرونده و وکلای آنها در شعبه سوم مورد رسیدگی قرار گرفت.

در ابتدای جلسه رسیدگی پس از قرائت کیفرخواست صادر شده از سوی دادسرا، شاکیان حاضر در دادگاه اقدام به طرح شکایت خود کردند.

نمایندگان بانك شکایت خود را بابت سرقت خودپردازهای مستقر در بانك یا مراکز تجاری و تفریحی بیان کردند. نماینده بانك کارآفرین شعبه میرداماد در طرح شکایت خود گفت: «دو دستگاه خودپرداز مستقر در شعبه، ساعت شش صبح قبل از شروع ساعت کار بانك توسط باند سارقان به سرقت رفت. مردم عادی که گمان می‌کردند نقل و انتقال دستگاه خودپرداز توسط خود بانك صورت می‌گیرد اقدام به تماشا و حتی فیلمبرداری کرده بودند. هر دو دستگاه در آگاهی به بانك پس داده شد اما خراب شده و کارایی ندارد. مبلغ ۲۹ میلیون تومان پول نقد هم از آن به سرقت رفته است.»

صاحب یك فروشگاه بزرگ در خیابان سعادت‌آباد نیز در طرح شکایت خود گفت: «اجناسی که دو سال قبل از فروشگاه ما سرقت شد حدود ۳۰۰ میلیون تومان ارزش داشت. بعد از آن ورشکست شدم و حالا خودم شاگرد یك بوتیك هستم.»

بعد از طرح شکایت شاکیان، متهم ردیف اول در دفاع از خود گفت: «اتهام تعدادی از سرقت‌ها را قبول دارم. باند ما سه فقره دستگاه تویوتا هایلوکس سرقت کرد و با آنها خودپرداز سرقت می‌کردیم، اما مسلح بودن در سرقت‌ها را قبول ندارم.»

متهم در جواب قاضی که گفت عکس شما در بعضی دوربین‌ها در حالی که چاقو به دست داری به ضبط رسیده است، گفت: «وسیله‌ای که دستم بود چاقو نیست. ابزاری است که نوك آن را تیز می‌کردیم تا با آن در فروشگاه را باز کنیم.»

دادگاه بعد از شنیدن دفاعیات متهم و وکیل او، ادامه جلسه رسیدگی را به جلسه بعد موکول کرد.

نجات قاتل نوجوان از مجازات قصاص

پسرنوجوان زیر ۱۸ سال به اتهام قتل شوهر خاله خود در دادگاه کیفری یك استان تهران به پنج سال حبس محکوم شد.

به گزارش خبرنگار جام جم، خبر درگیری منجر به قتل یك نوجوان زیر ۱۸ سال به نام سیاوش با شوهرخاله خود در شهر پردیس، اواخر دی ۹۷ به پلیس رسید.

با حضور تیم جنایی در محل قتل، سیاوش در همان لحظات اولیه با معرفی خود به پلیس به قتل اعتراف کرد و گفت: «شوهرخاله‌ام به مادر و خاله‌ام فحاشی کرد و من با چاقویی که در جیب داشتم یك ضربه به او زدم.»

بعد از اعتراف متهم به قتل، فرزندان خاله او به عنوان اولیای دم از قصاص گذشت کردند، اما فرزند دیگر مقتول از ازدواج اولش، با اعلام شکایت از سیاوش تقاضای قصاص متهم را کرد.

متهم روز گذشته در شعبه چهارم دادگاه کیفری یك استان تهران پای میز محاکمه رفت و در دفاع از خود گفت: «اتهامم را قبول دارم. خاله من با همسرش اختلاف داشت. روز حادثه قرار بود خاله‌ام با همسرش گفت‌وگو کند و مادرم همراه او برود. من هم با آنها رفتم. وقتی به آنجا رسیدیم شوهرخاله‌ام شروع به فحاشی به مادر و خاله‌ام کرد. من عصبانی و با او درگیر شده و یك ضربه با چاقو به او زدم.»

قضات دادگاه بعد از شنیدن دفاعیات متهم، با در نظر گرفتن نظریه پزشکی قانونی مبنی بر اختلال روحی متهم و با توجه به این‌که متهم زیر ۱۸ سال است، او را به تحمل پنج سال حبس محکوم کردند.

تلنگر

مرد بدبین همسرش را با شال‌گردن خفه کرد

مرد بنگاهدار با تصور این‌که همسرش قصد قتل او با غذای مسموم را دارد، زن جوان را با شال گردن مشکی خفه کرد.

به گزارش خبرنگار جنایی جام جم، ساعت ۱۵ سه‌شنبه ۲۶ آذر امسال مردی با پلیس ۱۱۰ تماس گرفت و از قتل عروسش خبر داد. ماموران کلانتری گاندی به محل جنایت که طبقه چهارم ساختمانی در محله ونك بود اعزام شدند و جسد زن ۳۷ ساله را در حالی یافتند که شال گردن مشکی کنارش افتاده و او بر اثر خفگی به قتل رسیده بود. ماموران به تحقیق از پدرشوهر مقتول پرداختند که وی در اظهاراتش گفت: پسر و عروسم ۱۲ سال بود ازدواج کرده و دو فرزند داشتند. آنها از هفت ماه پیش دچار اختلاف‌هایی شده بودند و دعوا و درگیری داشتند. پسرم می‌گفت زنش در غذای وی قرص ریخته و می‌خواسته او را بکشد. عروسم قهر کرد و نزد خانواده‌اش رفت و بعد از چند ماه با میانجیگری بازگشت که دوباره با هم دعوایشان شد و قهر کرد و چند روز قبل دوباره به خانه‌اش بازگشت. ظهر سه شنبه پسرم به خانه ما آمد و گفت که زنش را کشته و بچه‌ها را به من داد و برای خرید سیگار بیرون رفت. به خانه آنها در طبقه پایین رفتم و با جسد عروسم روبه‌رو شدم.

ماموران اطراف خانه قاتل را محاصره کردند و ساعاتی بعد او شناسایی و در جریان درگیری با پلیس بازداشت شد. موضوع این جنایت به ساسان غلامی بازپرس کشیك قتل دادسرای جنایی تهران گزارش و با دستور قضایی تحقیقات از مرد همسرکش - که بنگاهدار بود - آغاز شد. متهم ۴۱ ساله در جریان تحقیقات گفت: مدتی بود گمان می‌بردم همسرم قصد جانم را دارد و در غذایم دارو و سم می‌ریزد. همین باعث بروز اختلاف‌هایی میانمان شده و با شك و ترس غذا می‌خوردم. حتی این سوءظن‌ها باعث شده بود که بی‌خوابی‌های شبانه به سرم بزند. شب قتل هم دوباره با هم درگیر شدیم و ساعت ۵ صبح او را با شال گردن خفه کردم. ده ساعت بعد از جنایت با بیدار شدن بچه‌ها آنها را به پدرم سپردم و گفتم زنم را کشته‌ام و بعد که دوباره به خانه آمدم پلیس مرا بازداشت کرد.

> چند ساعت بعد از قتل مرد بدهکار در باغچه گودالی یك متری حفر کردم و جسد را در آنجا دفن کردم

بخشش قاتل پس از صحبت با قاضی القضات

پدر و مادر داغدار اصفهانی پس از صحبت با رئیس قوه قضاییه قاتل پسرشان را بخشیدند.

هادی غلامرضایی، آتشیار دوم آتش‌نشانی اصفهان به مهر گفت: سه سال پیش بود که یك روز برای ملاقات پسرعمویم به بیمارستان رفته بودم که متوجه شدم برادر ۲۶ سال‌هام بر اثر ضربه چاقو زخمی و به آنجا منتقل شده و به‌دلیل شدت خونریزی فوت کرد. بعد از مرگ برادرم شکایت کردیم و پلیس در جست‌وجوی قاتل او بود. در جریان تحقیقات معلوم شد که برادر آرایشگرم محل کارش را ترک کرده و به خانه بازمی‌گشته که دوستانش را در خیابان ۲۴ متری می‌بیند. همان موقع راننده پرایدی از آن محل چند بار عبور می‌کند و عامل دعوا می‌شود و در آن درگیری برادرم با چاقو به قتل می‌رسد.

وی افزود: بعد از چند روز قاتل شناسایی و بازداشت شد. او بعد از محاکمه به قصاص محکوم و بعد هم حکم در دیوان عالی کشور تایید شد. در این مدت افراد بسیاری درخواست بخشش کردند، اما ما نتوانستیم خودمان را قانع کنیم که قاتل را ببخشیم.

این در حالی بود که هنرمند اصفهانی حسن اکلیلی با خانواده‌ام حرف زد و برای جلب رضایت آنها یك ماه مهلت خواست که والدینم قبول کردند. این مهلت به پایان رسید و قرار بود که قاتل برادرم سیزدهم آذر امسال و با گذشت سه سال از این جنایت، پای چوبه دار برود که با سفر رئیس قوه قضاییه و همراهان وی به اصفهان پرونده برادرم توسط آیت‌ا... رئیسی مورد بررسی قرار گرفت و با درخواست شخص ایشان پدر و مادرم موافقت کردند و قاتل برادرم را بخشیدند. ما برای رضای خدا قاتل را بخشیدیم، چون نمی‌خواستیم خانواده دیگری مثل ما داغدار شوند.